

## چگونه اسلام از اروپا عقب نشست ؟

نوشته مورخان فرانسه و ارباب کلیسا راجع به جنگ عبدالرحمن غافقی و ( شارل مارتل ) سردار فرانسوی و شکست سپاهیان اسلام در دشت تور ( سرزمین شهیدان اسلام ) آمیخته به مبالغه و تعصب و حق‌کشی‌های بسیار است.

کلیسای فرانسه در این باره ، مصائب فرانسه و مسیحیت را از ماجرای جنگ مسلمانان در آن مملکت بصورت‌های پرهیجان و غم‌انگیزی شرح میدهد.

ولی تواریخ اسلامی نوشته ارباب کلیسا و مورخان اروپائی را با تردید کامل تلقی میکند . اکثر مورخان اسلامی در این خصوص با اشاره و سکوت بر گزار کرده‌اند . فقط « کندی » مورخ اسپانیائی مختصری از اقوال تواریخ اسلامی اندلس ( اسپانیا ) راجع به جنگ فرانسه در سرزمین ( تور ) را برخ ما میکشد . . .

ولی ما در هیچ يك از مدارك اسلامی که در دست داریم ، چیزی از آنچه کندی اسپانیائی از منابع اسلامی نقل میکند نیافتیم ، خود او نیز نامی از مآخذ خود نمی‌برد . مسلم است که وی مطالب کتاب خود را از پاره‌ای کتب خطی یا مجموعه‌هائی که بدست ما نرسیده است ، نقل میکند .

اگر مورخان اسلامی درباره جنگ بزرگ اسلام و فرانسه ، در سرزمین ( تور ) سکوت کرده‌اند ، بعکس مورخان اروپائی به تفصیل در آن باره سخن گفته و نجات مسیحیت از خطر اسلام و قهرمانی ( شارل مارتل ) را بیش از حد ستوده‌اند . مورخان اروپائی که غالباً از کشیشان معاصر می‌باشند ، درباره شکست مسلمانان راه اغراق پیموده از جمله نوشته‌اند که تعداد کشته شدگان مسلمین در آن جنگ به سیصد و هفتاد هزار نفر رسید ! در حالیکه فرانک‌ها بیش از هزار و پانصد کشته ندادند . ( ۱ )

۱ - این موضوع ما را بیاد گزارش خبرنگاران معاصر اروپائی می‌اندازد که از جنبه ویت‌نام یا جنگ اعراب و اسرائیل گزارش می‌دهند . می‌بینید طی جنگهای شدید و برخورد های سخت بمباران هوائی یا جنگ توپخانه یا نبرد با سلاح سبک که ویتکنگها یا فدائیان دمار از روزگار حریف در می‌آورند مثلاً مینویسند : ۴۷۵ ویت‌کنگ کشته شد و فقط دو سرباز امریکائی زخمی و یکی هم بقتل رسید ! یا ۱۸ چریک عرب کشته و ۳۰ اردنی یا مصری یا سوری بقتل رسید و ۴۰ نفر دیگر زخمی شد ولی از اسرائیلی‌ها يك نفر مقتول و دو نفر هم مختصر جراحی برداشت !

در شماره سابق گفتیم در پیکار سختی که میان سربازان اسلام و نیرو های فرانسه و فرانک های شمال اروپا در گرفت عبدالرحمن غافقی سردار بزرگ اسلام مورد اصابت تیر وی واقع شد و شهید گردید . بر اثر آن گروه زیادی از افسران و سربازان اسلام در دشت « تور » ۷۰ میلی پاریس سال ۱۱۴ هجری جان سپردند . این آخرین نقطه ای بود که اسلام در اروپای غربی پیش رفته بود . اینک آنچه مورخان اروپائی و اسلام درباره نتایج و آثار این جنگ گفته اند . . . .

منشأ این نقل نامه ای است که «دوئاکمیتانیه» به پاپ گری گوری دوم نوشته و ماجرای آن جنگ را شرح داده و پیروزی در آن جنگ را بخود منسوب داشته است . سپس مورخان دیروز و امروز اروپائی هم بعنوان يك واقعت تاریخی آنرا نقل کرده اند . در حالیکه همگی خرافاتی بیش نیست ، زیرا کلیه سپاهیان اسلام از هنگام ورود به فرانسه حداکثر از صد هزار نفر تجاوز نمیکرد (۱)

ناگفته نماند که در این جنگ سهمگین خسارات جانی و مالی مسلمانان کم نبوده است . تواریخ اسلامی هم آنرا پذیرفته است . ولی باید در نظر داشت که لشگری که از صد هزار نفر تجاوز نمی کرد نمی تواند افزون از ده ها هزار نفر باشد .

دلیلی که من می توانم بر این موضوع اقامه کنم اینست که فرانسویان از تعقیب سربازان اسلام اجتناب ورزیدند و از آن بیم داشتند که مبادا کوچ کردن آنها يك نیرنگ جنگی باشد !

اگر سپاهیان مسلمین متلاشی شده بود ، فرانسویان آنها را دنبال کرده و همه را تارومار می کردند . در صورتی که آنها از لحاظ روحیه و کثرت نفرات در وضعی بودند که دشمن بهراس افتاد و از تعقیب آنان خودداری کرد .

ادوارد جیون مینویسد : این افسانه خرافی را میتوان بدینگونه مردود دانست که سردار فرانسوی ( شارل مارتل ) از تعاقب و غافلگیری سربازان اسلام بوحشت افتاد و متحدان آلمانی خود را به اوطان خویش بازگردانید !! خودداری شخص فاتح از تعقیب دشمن ، دیگر فقدان خون و نیرو است . متلاشی ساختن کامل دشمن در موقعی که صفوف آنها بهم پیوسته است عملی نیست ، بلکه این موضوع فقط در صورت غافلگیر کردن لشکر و عقب نشینی آنها تحقق مییابد .

البته زیان هائی که به مسلمانان رسید در نوع خود بسیار شدید ومصیبت بار بود . این معنی در کشته شدن عبدالرحمن به تنهائی بزرگترین خسارت آن جنگ بود که بود . این معنی در کشته شدن عبدالرحمن غافقی سردار نامی اسلام و تعداد زیادی از اسیران سپاه و فرماندهان وی جلوه گر شد ، بلکه باید گفت شهادت عبدالرحمن به تنهائی بزرگترین ۱ - این تعداد را بعضی از مورخان غربی هم پذیرفته اند که از جمله Mezerai مورخ فرانسوی را باید نام برد . (نگاه کنید به پاورقی وی ، در مجموعه Bayle ذیل کلمه Abderame).  
لطفاً ورق بزنید

خسارت آن جنگ بود که متوجه عالم اسلام گردید .  
چه وی بهترین فرمانروایان اسپانیا و بزرگترین فرماندهی بود که اسلام در غرب می‌شناخت .

عبدالرحمن غافقی تنها مردی بود که توانست با مهابت و محبوبیت خود ، اتحاد اسلام را در اسپانیا حفظ کند . بهمین جهت شهادت وی در آن لحظه حساس ضربتی بود که بر پیکر اسلام وارد شد و برنامه فتح کامل مغرب زمین را متوقف ساخت .

\*\*\*

بررسی های جدید ، برخورد قاطع اسلام و مسیحیت را در آن جنگ با اهمیت زیاد تلقی کرده و از اهمیت آثار آن و تأثیر عمیقی که در تغییر سرنوشت مسیحیت و ملت های مغرب زمین و بالمآل در تغییر سرنوشت تمام جهان بخشیده سخن گفته است . اینک قسمتی از آنچه مورخان بزرگ و متفکران غربی در این باره گفته‌اند از نظر خوانندگان میگذرد :

ادوارد جیبون مینویسد : « حوادث این جنگ گذشتگان بریتانی و همسایگان ما ( گالها ) را از اسارت دینی و اجتماعی قرآن نجات داد ! و شکوه و جلال « رم » را نگاه داشت و سقوط قسطنطنیه را به تأخیر انداخت . مسیحیت را حفظ کرد و تخم نفاق و پراکندگی را در میان دشمنان آنها ( مسلمانان ) افکند . »

ادوارد کریزی میگوید : پیروزی بزرگی که ( شارلمارتل ) در سال ۷۳۲ میلادی بر مسلمانان یافت حدود فتوحات مسلمین را در مغرب اروپا متوقف ساخت ، و مسیحیت را از جنگ اسلام بدر آورد و بقایای تمدن قدیم و بذرهای تمدن جدید را حفظ کرد و برتری قدیمی ژاد هند و اروپائی را بر ملل سامی از میان برد ( ۱ )

رانکه مینویسد : آغاز قرن هشتم ( میلادی ) از مهمترین اعصار تاریخ است در آن عصر دین محمد با تصرف ایتالیا و گال مردم اروپا را به‌راس افکند و دیگر بت پرستی ! به‌ماورای رودخانه «راین» رسید ! در مقابل این خطر جوانی از قبیله ژرمنی بنام ( شارل مارتل ) قیام کرد و سازمان مسیحیت را که مشرف به نابودی بود حفظ کرد ( ۲ ) .

در مقابل این‌عهده ، گروهی دیگر از مورخان اروپائی تا این اندازه عقیده به نتایج و آثار این جنگ دارند که از جمله «سموندی» و «میشلیه» می‌باشند . و این دو نفر اهمیت چندانی برای ( شارل مارتل ) قابل نیستند .

جرج فنلی میگوید : نویسندگان فرانسوی پیروزی « شارل مارتل » را بر مسلمانان اسپانیا خیلی بزرگ کرده‌اند و آنرا بصورت فتح درخشانی جلوه‌گر ساخته و رهائی اروپا را از جنگ مسلمانان به شجاعت فرانسویان نسبت داده‌اند .

در صورتی که این پرده‌ای است که بر روی شخصیت لیون سوم ( امپراطور قسطنطنیه ) و تصمیم او کشیده شده است . زیرا او بود که جلو پیشروی مسلمانان را برای

History of the Reformation - ۱

Decisive Battles, of the World - ۲

رخنه کردن در اروپا گرفت (۱).

ما همراه گروه نخست واقعه سرزمین شهیدان اسلام در خاک فرانسه را فوق العاده مهم می‌شماریم و آنرا بزرگترین برخورد قاطعی می‌دانیم که میان اسلام و مسیحیت به وقوع پیوست. آری در دشت‌های «تور» و «پواتیه» مسلمانان سیادت خود را بر جهان بکلی از دست دادند، و سرنوشت جهان قدیم به یکباره دگرگون شد و پیشروی فتوحات اسلامی از مقابل ملل شمال اروپا به عقب برگشت همانطور که چندین سال قبل از آن نیز از پشت دیوارهای قسطنطنیه عقب نشست.

بدینگونه برنامه اسلام برای فتح ملت‌های مغرب زمین وخاضع نمودن مسیحیت در برابر صولت اسلام متوقف گردید، و دیگر اسلام فرصت نیافت که مانند روزی که در «سرزمین شهیدان» پیش می‌رفت به قلب اروپا راه یابد! چیزی نگذشت که اختلاف نظر میان سران مسلمین پدید آمد و همان اوقات که اسپانیای مسلمان سرگرم نزاع‌های داخلی بود، در پشت سلسله جبال پیرنه امپراطوری بزرگ فرانسه با اتحاد کلمه تکوین می‌یافت و اسلام را در اروپا دچار تهدید می‌ساخت و با سیادت و نفوذ آن بمبارزه برخاست (۲).

در مقابل تمام اظهار نظرهایی که مورخان اروپائی راجع به جنگ «تور» و نتایج آن کرده‌اند ما فقط مختصری از آنچه معروفترین مورخ شرق شناس فرانسوی گوستاو-لوبون در این خصوص گفته‌است می‌آوریم، زیرا واقعاً مصداق «در خانه اگر کس است یک حرف بس‌است» میباشد.

وی مینویسد: مسلمانان بعد از فتح اندلس (اسپانیا) چندین بار به فرانسه حمله بردند لیکن معلوم نیست که آنها هیچوقت قصدشان اقامت در آن کشور بوده است. بلکه از ظاهر چنین برمی‌آید که در این منطقه بواسطه اینکه از مناطق بارده بوده مایل به توطن نبوده‌اند. بلکه در قطعات جنوبی اروپا که دارای آب‌وهوای معتدل بود بهتر می‌توانستند پیشرفت حاصل کنند، و اینکه در بعضی قطعات جنوبی فرانسه توقف آنها طول کشید برای همین بود که آب و هوای آنجا معتدل بوده‌است...

در آن جنگ وقت شب دسته‌ای از سپاه فرانسه بقصد اینکه از پشت سر به مسلمین حمله برد از معرکه خارج شده و مسلمین برای حفظ غنائمی که با خود داشتند میدان را خالی گذاشته در نهایت بی‌نظمی عقب نشینی کردند و از همین خطای نظامی شکست خوردند  
لطفاً ورق بزنید

## ۱ - Hist. d'Allemagne

۲ - مسلمانان بعد از این جنگ نیز حملات خود را به فرانسه از سر گرفتند و سالها در فرانسه وسویس و شمال ایتالیا بسر بردند و اینطور نبود که پس از جنگ «پواتیه» بکلی از اروپا عقب نشینی کنند. ولی مسلم است که از این نقطه جلوتر نرفتند و به پاریس نرسیدند، این هم بیشتر بخاطر اختلافات و کشمکش‌های داخلی قلمرو اسلامی و نداشتن وحدت نظر و یکپارچگی سپاهیان اسلام و کادر رهبری بود.

از این رو از هم اکنون باید تصمیم بگیرد و برنامه کار خود را تنظیم کند و با عزم راسخ و اراده آهنین آماده اجرای آن باشد. آری او دیگر يك انسان عادی نیست: بشری فوق العاده است، پیامبر خدا و سرپرست جامعه انسانی است. او در این لحظه، در این جایگاه پر اهت، در قله کوه حرا، بمقام نبوت و خاتمیت یعنی بزرگترین مقامی که يك انسان می تواند پیدا کند نائل گشته است.

از هم اکنون باید پرچم عدالت اجتماعی را برافرازد و منشور آزادی انسانها را صادر کند، عدالتی که با گذشت قرن ها بشریت را فرا گیرد و منشوری که در ازمنه منمادی در گوش جان انسانها طنین افکند...

محمد بن عبدالله (ص) اکنون با يك لحظه بیش فرسنگها فاصله پیدا کرده است. يك لحظه بیش او نمی دانست بشریت مفلوک و گرفتار به کجا رو آورد، چه کند و چاره کار را از چه کسی بجوید.

ولی اینک او می داند که تنها مقام صلاحیت دار و انسان غمخواری که باید این راه پر خطر را به پیماید و به تمام این مصائب و ناراحتی ها خاتمه دهد، کسی جز او نیست. بدلیل اینکه خداوند جهان، خدای خالق آسمان و زمین و این ستارگان و مهر و ماه، و این دشت های وسیع و کوه های سر بفلک کشیده از میان ملیون ها انسان برزنده، او را برای این هدف مقدس و بزرگ برگزیده است.

و جلالی که از هر جهت برای بزرگ مرد قریش تازگی داشت آشکار گشت و برای نخستین بار با تشریفات خاصی پیام الهی را بوی ابلاغ کرد و صریحاً گفت که خداوند جهان خود او را برای سرو سامان دادن به این همه فجایع و بدبختی ها که بشریت با آندست بگریبان است مأمور ساخته است! باید بداند که از این لحظه او پیامبر و راهبر خلق است.

فرشته وحی از وی خواست که با اراده خلل ناپذیری آنچه او می خواند، او نیز بخواند و از اینکه مکتب ندیده و درسی نخوانده است هر اسی بدل راه ندهد. زیرا خداوند چنین اراده کرده است و او هم با همان ثبات ذاتی و استعداد سرشاری که دارد باید بخواند، و خواند...

### چگونه اسلام از اروپا عقب نشست؟

و به حالت جنگ و گریز بطرف ایالت جنوبی عقب نشسته (شارل مارتل) هم از دور آنها را تعاقب می کرد، تا اینکه به «ناربون» رسید و شهر را محاصره کرد ولی نتوانست پیشرفت کند، و بعداً خود او مطابق معمول آن زمان بغارت و چپاول اطراف مشغول گردید. حتی این غارت و تاراج را بجائی رسانید که سرکردگان مسیحی برای اینکه از جور و ظلم او محفوظ بمانند به مسلمانان ملحق شده به «شارل» حمله بردند و او را عقب نشانیدند!!

مسلمین شکستی را که از «شارل» دیده بودند در اندک زمانی ترمیم نموده اماکن و نقاطی را که ابتدا فتح کرده بودند در تصرف خود نگاه داشته و تا دو بیست سال توقف ایشان در خاک فرانسه طول کشید...

از توقف مسلمین بعد از «شارل مارتل» تا دو بیست سال در خاک فرانسه بخوبی معلوم میشود که فتح (شارل) دارای چنان اهمیتی که بعضی از مورخین ما ذکر میکنند نبوده است. مینویسند که شارل مارتل لشکریان اسلام را از قطعات و نقاطی که اشغال

کشور های مختلف در دست دارد .

یکی از رقبای امریکائی « کومینک »  
 « آدام کنسولتید » میباشد که در سال ۱۹۶۵  
 تقریبا ۱۲۵ قبضه تفنگ ایتالیائی وارد کرده  
 است . این تفنگ ها روز سی ام سپتامبر ۱۹۶۰  
 با يك كشتی ایتالیائی به آمریکا فرستاده شد  
 و ۱۷ روز بعد به « جرسی سیتی » رسید و  
 ۲۸ ماه در انبار باقی ماند پس از آن با  
 سلاحهای دیگر به يك اسلحه فروشی بزرگ  
 در شیکاگو فرستاده شد .

اکنون « کومینک » با معاملات بزرگ  
 اسلحه که انجام میدهد تنها جانشین بزرگترین  
 فروشنده اسلحه « بازیل زاخاروف » بشمار  
 می رود .

خوشبختانه در سال ۱۹۳۶ هنگامی که  
 ثروتمند ترین مرد اروپا بشمار میرفت  
 در گذشت .

« زاخارف » باقتضای موقع از هر  
 انگلیسی انگلیسی تر ، از هر فرانسوی فرانسوی  
 تر ، و از هر روسی روسی تر ، میشد .

پیوسته تغییر رنگ میداد .

به هفت زبان آشنائی کامل داشت .

« زاخارف » که یونانی بود دوست  
 صمیمی « لوید جرج کلمانسو » و « وینزلوس »  
 نخست وزیر یونان ، « هیرام ماکسیم » پدر  
 مسلسل های ماکسیم بود ، و بعد ها با  
 « کروپ » و « هیتلر » نیز طرح دوستی  
 ریخت .

او که عصاره فساد بود هزار نیزنگ  
 میزد . می دزدید ، قانون را زیر پا میگذاشت ،  
 خیانت میکرد در نخستین جنگ جهانی موفق  
 شد که متفقین را از بمباران بعضی از شهر  
 های اشغالی آلمان باز دارد ، ولی طولی  
 نکشید که معلوم شد او برای حفظ منافع خود در  
 محل و کارخانه هائی که در این شهر ها  
 دائر کرده بود باین اقدام متوسل شده است .

زاخارف در عین حال به دو طرف  
 متخاصم اسلحه می فروخت و از سی و يك  
 ملت بدریافت ۲۹۷ نشان افتخار نائل شده  
 بود . !!! تلخیص از اطلاعات

مورخ ۱۹۶۸ و ۴۹۰ صفحه ۶

نموده بودند نتوانست خارج سازد ، بلکه از جلو آنها رو بهزیمت نهاده مسلمین را باتمام  
 ایالاتی که در تصرف داشتند بحال خود باقی گذاشت . تأثیر این فتح همینقدر بود که در  
 حمله به شمال فرانسه از جرئت و جسارت مسلمین کاست والبنه این يك فایده بزرگ بود  
 که حاصل گردید ولی آنها نه باندازه ای است که مورخین آنرا با آب و تاب بیان نموده اند .  
 مورخین که فتح « تور » را بی نهایت اهمیت داده اند مینویسند که اگر مسلمانان  
 در « تور » شکست نمی خوردند در خاک فرانسه پیشرفت نموده و بالاخره مالک اروپا  
 می شدند و بعد چنین سؤال میکنند که اگر يك چنین اتفاقی می افتاد چه رستاخیزی برای  
 نصارا زیر پرچم اسلام پیدا می شد ؟

این مطلب که اروپا چه صورتی بخود می گرفت از دیدن اندلس ( اسپانیا ) میتوان  
 آنرا کشف نمود ! وقتی که دیده شد اندلس در يك چنین عصری که اروپا گرفتار توحش  
 بربریت بود تحت حکومت مسلمین اعلی درجه تمدن را حاصل نمود ، البته میتوان گفت  
 که ملل مسیحی اروپا نظر به تمدن آن عصر از تسلط و نفوذ مسلمین بهره برده و استفاده  
 می نمودند و هیچ ضرر و نقصانی به آنها نمی رسید !! ( ۱ ) .

۱- تاریخ تمدن اسلام ص ۹۰ تا ۹۷ .